

بررسی نگرش زنان نسبت به عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده (پژوهشی در بین کارکنان زن دانشگاه‌های پیام نور استان همدان)

اعظم خطیبی*

چکیده

در طول تاریخ، زنان علاوه بر تولید نسل و تربیت فرزند، نقش برجسته و مهمی در آرامش و امنیت خانواده داشته‌اند. به همین دلیل بررسی نگرش آن‌ها نسبت به عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که هدف اصلی این تحقیق است. این تحقیق در بین زنان هیات علمی و کارمندان دانشگاه‌های پیام نور استان همدان انجام گرفت و دارای رویکرد جامعه‌شناختی و روش پیمایشی است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده چندمرحله‌ای بوده و حجم نمونه ۱۹۲ نفر برآورد شد. یافته‌ها نشان داد که به ترتیب (۷۴/۱۱٪) عوامل اجتماعی، (۷۰/۲۴٪) عوامل عاطفی،

* دکترای جامعه‌شناسی، استادیار دانشگاه پیام نور، ایران؛ Azamkh48@pnu.ac.ir

(/۶۹/۵) عوامل اعتقادی، (۵/۱/۸) عوامل سیاسی، (۳۹/۶۴) عوامل فرهنگی و درنهایت (۳۳/۹۴) عوامل اقتصادی را بر تحکیم خانواده مؤثر دانسته‌اند. نتیجه نهایی رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که عوامل فرهنگی و عاطفی و اجتماعی ($R=0/721$) بیشترین تبیین‌کننده تغییرات متغیر تحکیم خانواده هستند و متغیر اقتصادی برخلاف انتظار تأثیر چندانی نداشته و در آزمون تبیین وارد نشد. متغیر اعتقادی نیز دارای اثر معکوس و منفی بود که به سبک زندگی مدرن و استفاده از رسانه‌های فرامرزی مرتبط است. از راهکارهای اساسی در تحکیم خانواده‌ها، آموزش به مردان در داشتن رفتار مناسب اجتماعی و ابراز عاطفه و عشق نسبت به همسر و رعایت سبک زندگی متناسب با فرهنگ خودی و آموزش سواد رسانه‌ای است.

واژگان کلیدی

عوامل فرهنگی؛ عوامل اقتصادی؛ عوامل اجتماعی؛ عوامل عاطفی؛ عوامل اعتقادی

مقدمه: بیان مسئله

خانواده مهم‌ترین محل تلاقی ویژگی‌های ممکن زن و مرد است. زیرا هم تأمین‌کننده نیازهای روحی و عاطفی انسان‌ها، و هم روحیه تعاون و ایثار را زنده و تقویت کرده و زمینه‌ساز بروز استعدادهای انسان می‌شود. رمز و راز تأکید شدید اسلام بر «ازدواج» نیز در همین نکته نهفته است. در فرمایش حضرت رسول (ص) ازدواج به‌عنوان محبوب‌ترین بنیان نزد خداوند به شمار آمده است.^۱ همچنین خانواده حلقه واسطه فرد و جامعه تلقی می‌شود و نقش اساسی و بی‌بدیل در پیوند آن‌ها دارد. خانواده به‌مثابه‌ی یک پیکر زنده، دارای اجزای مختلفی است که زن و مرد اعضای اصلی این پیکرند و هر یک با ایفای نقش خاص خود، زمینه سلامت و پویایی جامعه را فراهم می‌سازند. تفاوت‌های حکیمانه‌ی نقش‌ها و فعالیت‌های زن و مرد ضامن هماهنگی و پویایی مجموعه و مانع بروز اختلال در این پیکر واحد است. ضمن آن‌که ایجاد جامعه‌ای پویا و انسان‌هایی

^۱ «ما بنی بناء فی الاسلام احب الی الله عزوجل من التزویج»



متکامل نیز درگرو هماهنگی و مودت متقابل اعضا به‌ویژه روابط زن و مرد در کانون خانواده است.

تغییر و تحولاتی که به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به وجود آمده، نهاد خانواده را تحت تأثیر قرارداد است (ریتزر، ۲۰۰۴). برای مثال پیشرفت صنعتی و مدرن شدن جامعه باعث دگرگونی و تحول در نظام خانواده از سنتی و گسترده به صنعتی و هسته‌ای شده است. تغییرات اجتماعی در عصر ارتباطات و اطلاعات به‌قدری وسیع و گسترده است که تنش‌ها و آسیب‌هایی را در جامعه به وجود آورده است که بک^۱ (۱۹۹۲ و ۱۹۹۴) از آن به جامعه خطر^۲ یاد می‌کند و خانواده‌ها نیز از این خطر در امان نمانده‌اند. به همین دلیل است که خانواده از دیدگاه دیگر معیار شناخت و سنجش آسیب‌های اجتماعی است. به عقیده ساروخانی «آنگاه که طلاق رو به فزونی می‌رود، کشمکش‌های درونی خانواده اوج می‌یابد و فرزندان در سنین نوجوانی به‌دوراز والدین در ورطه آلامی چون اعتیاد- بزهکاری و... گرفتار می‌آیند. باید دانشمندان و همه مسئولان جامعه در جستجوی علل عمیق اجتماعی آن به اعماق جامعه رسوخ کنند.» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۵۹). زیرا با ازمه‌پاشیدگی خانواده‌ها، جامعه نیز دچار ازمه‌گسیختگی شده و امنیت و آرامش همگانی به خطر می‌افتد. همچنین زنان به‌عنوان مؤثرترین عضو خانواده که بیشترین سهم اداره داخلی این واحد اجتماعی به عهده آن‌هاست، در تربیت و تکامل آحاد اجتماع، اساسی‌ترین نقش را ایفا می‌کنند. زن به دلیل نقش خاصی که در دستگاه خلقت بر عهده دارد، به سرمایه‌های درونی بس‌گران‌بهایی مجهز است که جامعه‌ی بشری در رشد خود نیازمند این ارزش‌ها است. یکی از این سرمایه‌های درونی عاطفه است که در طول تاریخ و در تمامی اجتماعات نموده‌های بسیار شکوهمندی داشته است (ناهید، ۱۳۶۰: ۵۵). این میل مقدس از یک‌سو زنان را برای همه نوع فداکاری، جهت‌زدگی و همسرش آماده می‌کند و از سوی دیگر، زحمات طاقت‌فرسای پرورش نسلی را بر عهده دارد. به‌بیان دیگر: جامعه‌ی سالم نیازمند داشتن خانواده‌های سالم است و سعادت و سلامت هر جامعه در خانواده‌ها پی‌ریزی می‌شود و شمع فروزان محفل خانواده زن است. به همین دلایل است که توجه به نگرش زنان درباره عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده از اهمیت برخوردار است.

1 Beck

2 Risk Society

با توضیح کوتاهی که گذشت، مسئله اصلی در این پژوهش بررسی نگرش زنان هیات علمی و کارمند دانشگاه‌های پیام نور استان همدان درباره عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده است تا با استفاده از رویکرد جامعه‌شناختی و روش علمی راهکارهای اساسی برای حفظ و تقویت بنیان خانواده‌ها بیشتر شناسایی شود.

ضرورت و اهمیت مسئله

شهر همدان ویژگی خاص خود را دارد زیرا از خرده‌فرهنگ‌های فارس، ترک، کرد و بعضاً لک و لر تشکیل شده است. از بعد مذهبی مردمانی شیعه هستند و به شدت پایبند اعتقادات و باورهای سنتی. به گونه‌ای که این شهر به دار المومنین مشهور شده است. این شهر اولین پایتخت تشکیلات حکومتی در ایران بوده که در آن دوره هگمتانه نام نهاده شده است. اقوام و سلسله‌های متفاوتی نظیر مادها، هخامنشیان و... به دلیل آب‌وهوای مناسب و موقعیت منحصربه‌فرد، امکان دسترسی به نقاط مختلف کشور، رونق تولید و بازار، این شهر را مورد توجه قرارداد و به عنوان پایتخت خود انتخاب نموده‌اند. به این دلیل به پایتخت تمدن و فرهنگ ایران زمین نام‌گذاری شده است. با توجه به ترکیب خرده‌فرهنگ‌ها در این شهر و حاکمیت مردسالاری در این فرهنگ و همچنین تغییرات صنعتی و الکترونیکی و رشد رسانه‌های فرامرزی و تغییرات اساسی در ساختار نهادها و سازمان‌ها و از جمله خانواده‌ها و تغییر سبک زندگی و تغییر در نگرش‌های کلی جامعه، شناخت نگرش زنان نسبت به عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با شناسایی دیدگاه زنان نسبت به عوامل تأثیرگذار بر تحکیم خانواده، می‌توان راهکارهای عملی را در اختیار سازمان‌ها و مسئولین ذی‌ربط خانواده قرارداد تا با استفاده از آن‌ها تا حدودی از معضل فروپاشی و طلاق خانواده‌ها جلوگیری به عمل آورند.

اهداف تحقیق

هدف کلی

بررسی نگرش زنان نسبت به عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده در بین کارکنان زن دانشگاه‌های پیام نور استان همدان



اهداف فرعی

- تبیین میزان اهمیت هریک از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، عاطفی و اعتقادی- مذهبی، بر تحکیم خانواده از منظر کارکنان زن دانشگاه‌های پیام نور استان همدان
- تبیین تأثیر هریک از عوامل فوق بر تحکیم خانواده از منظر کارکنان زن دانشگاه‌های پیام نور استان همدان

پیشینه تحقیق

تحقیقات زیادی در داخل و خارج کشور به خانواده اختصاص یافته است که با رعایت اقتصاد مکانی مقاله و دسترسی به منابع معتبر به‌طور خلاصه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

خالدی، موتابی و ابراهیم پور (۱۳۹۳) در تحقیق «حفاظت کننده ازدواج در افراد متأهل دارای عوامل خطر»، به این نتیجه رسیدند که احترام، رابطه جنسی مطلوب و تعهد، نقش مهمی در نگه‌داری زندگی مشترک داشته و بین زن و مرد در انتخاب عوامل عمده حفاظت‌کننده تفاوت معناداری مشاهده نشد اما مؤلفه‌هایی مانند امیدواری، همدلی، همکاری در کارهای خانه، اعتماد به توانایی خود در حل مشکل و تماس جسمانی در بین زنان و مردان تفاوت معناداری مشاهده شد. غلام پور و سکین عبدالغنی (۱۳۸۸) در تحقیق «عوامل تحکیم و تقویت نظام خانواده» به این نتیجه رسیدند که تحکیم خانواده به دو دسته درون خانوادگی و برون خانوادگی بستگی دارد. عوامل برون خانوادگی، به سه محدوده «فرهنگ و محیط اجتماعی» و «خانواده‌های طرفین» و «اقتصاد جامعه» و عوامل درون خانوادگی به «توجه به جایگاه خانواده»، «مسئله سرپرستی خانواده» و «تثبیت نقش‌ها» و «محبت زن و شوهر» می‌پردازد. نوری (۱۳۹۱) در تحقیق «عوامل تحکیم و استحکام خانواده» به این نتیجه می‌رسد که مهم‌ترین عامل تحکیم و ثبات یا تزلزل و فروپاشی خانواده، چگونگی رابطه‌ها و دادوستد عاطفی میان اعضای خانواده، به‌ویژه زن و شوهر است. عبدی و یزدانی مقدم (۱۳۸۸) در بررسی تأثیر تعالیم دینی بر مهارت‌های زندگی در سیره رضوی در عرصه‌های مهارتی ذهنی، شناختی، ارتباطی، اجتماعی، خانوادگی و تربیتی، به این نتیجه می‌رسند که این مهارت‌ها بر تحکیم خانواده مؤثر هستند. خطیبی (۱۳۹۱: ۸۴) در کتاب مفاهیم

جامعه‌شناختی در پنج سوره اول قرآن کریم، در فصل خانواده از منظر قرآن، انفاق به والدین و خویشان را مایه‌ی تحکیم خانواده و حفظ حرمت والدین برمی‌شمارد. در خارج از ایران نیز تحقیقاتی با موضوع خانواده انجام شده که به‌طور خلاصه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

در پژوهش پارکر^۱ (۲۰۰۲) عشق و تعهد نسبت به هم، در پژوهش مادسن و ابل^۲ (۲۰۱۰) احترام و مذهب و باورهای دینی، در پژوهش مارتین، پالیک، داریس، لارسن، گری و ویر^۳ (۲۰۰۳) شوخی کردن و شاد کردن فضای خانه، در پژوهش راس^۴ (۲۰۰۹) داشتن اوقات فراغت باهم، در پژوهش جین^۵ (۱۹۹۹) مشورت باهم و در پژوهش گری (۱۳۸۷) آشنایی با تفاوت‌های زن و مرد عواملی بودند که در استحکام خانواده‌ها بیشترین تأثیر را داشته‌اند.

با دقت در پژوهش‌های مذکور، هر یک به بررسی بخشی از عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده پرداخته‌اند. همچنین به نگرش زنان به‌طور مستقل پرداخته‌اند. اما پژوهش کنونی با نوآوری خاص خود یعنی بررسی مجموعه‌ای از عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده در نگرش زنان، تلاش کرده تا خلأ تحقیقاتی را در این خصوص پر نماید.

مبانی نظری تحقیق و تعریف مفاهیم

در این پژوهش از دیدگاه جامعه‌شناسان کارکردگرا در حوزه خانواده استفاده شده است. زیرا آن‌ها بر خانواده به‌منزله نهاد بنیادین جامعه تأکید داشته‌اند. طبق این دیدگاه خانواده وظایف مهمی را به انجام می‌رساند که جزء نیازهای اساسی جامعه است و به بقای نظم اجتماعی کمک می‌کند. دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی خانواده را هم چون نهادهای اجتماعی می‌داند که جزئی از جامعه است، شناخت آن مستلزم شناخت کل جامعه است و از آن انتزاع‌پذیر نیست. زیرا در فرایند تکامل یا تأثیر و تأثر^۶ با جامعه قرار می‌گیرد. به اعتقاد دورکیم (۱۳۶۹)، انسجام اجتماعی تنها نیرویی است که هدف‌ها،

1 Parker

2 Madsen & Abell

3 Martin & Puhlik & Doris & Larsen & Gray & Weir

4 Ross

5 Jane

۶. بدین معنی که خانواده به‌عنوان پدیده‌ای منبعث از کل جامعه خود نیز به‌نوبه خود بر آن اثر می‌نهد. بدین‌سان جامعه و خانواده در فرایند دائمی نوعی تأثیر و تأثر با تعامل قرار می‌گیرند.



واکنش‌ها و چگونگی رفتار فردی انسان را تعیین می‌کند و تصمیم افراد، تأثیر چندانی بر چگونگی کنش‌های آنان ندارد. وی بنیادی‌ترین منشأ انسجام اجتماعی را فرهنگ و نهادهای اجتماعی معرفی می‌کند و آن را از دو کارکرد مهم برخوردار می‌داند. نخست اینکه انسجام و پیوستگی اجتماعی، امکان حمایت روانی اعضای جامعه را در وضعیت‌های بحرانی فراهم می‌کند و از نگرانی‌ها، فشارها و نیز از تأثیر بحران بر افراد می‌کاهد و در صورتی که افراد به‌وسیله تبادل اندیشه‌ها و احساسات خود، روابط منسجمی با اعضای خانواده، به‌خصوص همسرانشان به وجود آورند، حمایت متقابل آن‌ها به‌هنگام گرفتاری‌های شدید و درماندگی موجب می‌شود که در فعالیت‌های جمعی شرکت کنند و این تکاپوهای جمعی، آنان را حفظ خواهد کرد. دوم انسجام اجتماعی را که نقش آن کنترل و نظارت بر افراد است، در جوامع بسیار همبسته و منسجم حفظ می‌کند، به‌طوری که افراد به حال خود رها نمی‌شوند، به خدمت خانواده درمی‌آیند به‌جای منافع فردی به منافع جمعی می‌اندیشد و درنهایت، فردگرایی و ازهم‌گسیختگی کاهش می‌یابد. همچنین او معتقد است که ثبات و استواری خانواده به تقسیم‌کار بر مبنای جنس بستگی دارد که همسران نقش‌ها و وظایف خود (نقش ابزاری شوهر در خوش بختی زناشویی و نقش زن ارائه‌کننده عشق و محبت) را به‌خوبی ایفا کنند، رابطه زناشویی از ثبات، دوام و کیفیت و رضایتمندی برخوردار خواهد شد و تحکیم و انسجام آن افزایش می‌یابد. وقتی این تعامل به دلیل شکست زن یا شوهر در به‌عهده گرفتن تعهدها و وظایفشان قطع شود، نیروی مؤثر و عمده انسجام و هماهنگی زناشویی از بین خواهد رفت (برینکرهوف و وایت لاینک^۱، ۱۹۸۸: ۲۵۹-۲۶۰).

الیزابت بات از دیگر نظریه‌پردازان حوزه خانواده، به تقسیم نقش زن و شوهر در روابط زناشویی و زندگی خانوادگی توجه می‌کند (بات، ۱۹۷۱). بات بر اساس بررسی‌های خود به این نتیجه رسید که خانواده‌هایی که میزان بالایی از جدایی و تفکیک روابط نقشی زن و شوهر را داشتند، به یک شبکه متراکم روابط متصل بودند و بسیاری از دوستان، همسایگان و خویشاوندان یکدیگر را می‌شناختند و در مقابل در خانواده‌هایی که روابط نقشی نسبتاً مشترکی میان زن و شوهر وجود داشت، شبکه روابط پراکنده‌ای داشتند و تعداد کمی از خویشاوندان، همسایگان و دوستان آن‌ها یکدیگر را می‌شناختند. مناسبات «تفکیکی نقش‌های زناشویی» روابطی هستند که در

1 Brinker hoff & white.Lynnk

آن زن و شوهر قائل به تفاوت واضحی در وظایف خود هستند و آن‌ها را جدا و میان خود تقسیم کرده و علایق و فعالیت‌های جداگانه دارند (بات^۱، ۱۳۷۳: ۲۵۴). در صورتی که زن و شوهر هر یک به شبکه متراکم تعلق داشته باشند و پس از ازدواج نیز این شبکه‌ها حفظ گردند، رابطه خانوادگی ناشی از ازدواج آن دو به این شبکه روابط اضافه می‌شود. زیرا هریک از زوجها دوستان و آشنایانی دارند که می‌توانند در خارج از خانواده به آن‌ها کمک کنند. اما اگر شبکه اجتماعی پراکنده باشد، افراد در شبکه یکدیگر را نمی‌شناسند. بنابراین، وفاق اجتماعی و همیاری اعضا به احتمال تنوع و گوناگونی در هنجارهای درون شبکه کمتر خواهد شد. بات با توجه به روابط اجتماعی خانواده، مشخص کرد که روابط کلیه خانواده‌ها با جامعه، مانند یک «شبکه» است؛ یعنی هر خانواده با تعدادی از افراد در سطح جامعه در تماس است و این نوع تماس شبکه‌ای دو گونه است: «متصل» و «پراکنده». در صورتی که در یک خانواده پس از ازدواج، بین دوستان و آشنایان زن و شوهر معاشرت صورت گیرد، در این حالت شبکه روابط متصل است. اما اگر این معاشرت صورت نگیرد، شبکه روابط پراکنده می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

از جمله مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل سازنده میان انسان‌ها و برقرار بودن عشق به هم‌نوع و ابراز صمیمیت^۲ و همدلی به یکدیگر است (عدالتی و ردزوان^۳، ۲۰۱۰). داشتن روابط صمیمانه‌ی دل‌بستگی عاطفی با افراد نزدیک مانند والدین، همسر و فرزندان یکی از مهم‌ترین نیازهای بشری است. در رابطه زناشویی دل‌بستگی به وسیله روابطی که دوسویه و پرمحبت هستند و در آن دو نفر احساس صمیمیت و امنیت دارند، مشخص می‌شود (جانسون، مکینن و میلیکین^۴، ۲۰۰۱). این ارتباط‌های ایمن به زوجین این امکان را می‌دهد که از طریق اداره آشفته‌گی‌های هیجانی به یکدیگر کمک کنند (جانسون، ۲۰۰۴). تعارض در زندگی زناشویی زمانی اتفاق می‌افتد که همسران قادر به ارضای نیازهای دل‌بستگی یکدیگر برای ایمنی، امنیت و رضایت نیستند. در چنین شرایطی کارکردهای خانواده مخدوش خواهد شد.

1 Bott

2 Intimacy

3 Edalate & Redzuan

4 Johnson & Makinen & Millikin



از نظر جامعه‌شناس آمریکایی، دو کارکرد اصلی خانواده عبارتند از: اجتماعی شدن اولیه و تثبیت شخصیت (اعزازی، ۱۳۸۷: ۱۷۴). اجتماعی شدن، اولین فرآیندی است که کودکان هنجارهای فرهنگی جامعه‌ای را می‌آموزند که در آن به دنیا آمده‌اند و تثبیت شخصیت^۱ به معنای نقشی است که خانواده با کمک و حمایت عاطفی از اعضای بزرگسال خود بر عهده دارد (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۸: ۲۵۴). پارسنز خانواده هسته‌ای را مناسب‌ترین و کارآمدترین نوع خانواده برای پاسخگویی به نیازهای جامعه‌ی صنعتی می‌داند، در واقع تخصصی شدن نقش‌ها در خانواده‌ی هسته‌ای، مستلزم این بود که شوهر به‌عنوان نان‌آور نقش ابزاری را بر عهده بگیرد و زن نقش احساسی و عاطفی داخل خانه را قبول کند (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۸: ۲۵۵). به نظر پارسنز برای شکل‌گیری کنش اجتماعی معنادار وجود چند عامل ضروری است.

۱- خاص نگری - عام نگری ۲- عاطفی - بی‌طرف از نظر عاطفی ۳- کیفیت - عمل کرد ۴- همه‌جهت‌بینی - یک‌جهت‌بینی ۵- نفع شخصی - نفع جمعی: این تقسیم‌بندی‌های دوگانه، گرایش‌های کنش به‌سوی منافع فردی یا منافع و اهداف گروهی را دربر می‌گیرد (همیلتون، ۱۹۸۳: ۱۰۳). به این ترتیب در صورتی خانواده و رابطه زناشویی منسجم و مستحکم خواهد بود که اعضای آن، به‌ویژه همسران همدیگر را خاص و منحصربه‌فرد ببینند، با استفاده از تمامی عواطفشان با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و روابطشان مبتنی بر رضایت باشد؛ یعنی برای همسرشان به سبب نفس او ارزش قائل باشند و به او به چشم وسیله یا ابزار نگاه نکنند. همچنین روابط آن‌ها باید همه‌جانبه باشد، یعنی با همه جوانب و مسائل همسرشان سروکار داشته باشند، و مبتنی بر منافع جمعی باشد زیرا توجه به منافع فردی از تحکیم خانواده و روابط زناشویی می‌کاهد. پارسنز به نقش عنصر عاطفه در خانواده توجه دارد و خانواده را به‌عنوان تنها نهاد عمده‌ی موجود در جامعه می‌داند که می‌تواند عشق و محبت و مراقبت مورد نیاز برای رشد شخصیت انسانی در بهترین حد ارائه دهد (اتکینسون و همکاران^۲، ۱۹۸۷: ۱۱۰). یک خانواده باثبات، روابط عاطفی را که بخش اجتناب‌ناپذیر زندگی انسان است، تسهیل می‌کند (اتکینسون و گلاس^۳، ۱۹۸۷: ۴۲۷). طبق نظر این جامعه‌شناس دلبستگی عاطفی بین اعضای خانواده بانظم و ثبات در خانواده رابطه‌ی مستقیم یا مثبت

1 Personality stabilization

2 Atkinson & Mc Carthy & Phillips

3 Atkinson & Glass

وجود دارد (همیلتون، ۱۹۸۳: ۱۰۳). عامل دیگری که بر نظم خانواده تأثیر دارد، تصمیم‌گیری و هم‌فکری مشترک است. بیشتر مطالعات به این نتیجه رسیده‌اند که زوج‌های خوشبخت به دلیل تصمیم‌گیری مشترک، گفت‌وگوی مفید، و توافق متقابل و مشترک به‌عنوان نمونه مشخص می‌شوند. سلطه یک همسر یا اختلافات گسترده بر سر قدرت، با طلاق و نارضایتی زناشویی ارتباط دارد (چلبی، ۱۳۸۵: ۲۳۰). تأکید پارسونز در نظریه کنش اجتماعی، بر نظام فرهنگی به‌عنوان نظامی مسلط و تعیین‌کننده، هم در توصیف مشارکت‌پذیری و هم در تحقیق و تثبیت آن واقعیتی انکارناپذیر است (چلبی، ۱۳۸۵: ۲۳۰).

عامل مهم دیگری که بر نظم در خانواده مؤثر است، اعتقادات مذهبی است. فرگوسن و هارود و شانون^۱ اشاره کرده‌اند، خانواده‌هایی که دارای مشخصه‌ی «پای بندی مذهبی» بالایی هستند، کم‌تر به فروپاشی متمایل‌اند (۱۹۸۴: ۵۴۷-۵۴۰). همچنین بوث^۲ و همکارانش بیان می‌کنند که عقاید مذهبی به‌صورت نیروی خاص و نگهدارنده ازدواج دیده می‌شوند که انسجام و پیوستگی آن را تقویت می‌کنند (۱۹۸۳: ۳۹۰). ویلکینسون و تر نیز می‌گویند: «پای بندی مذهبی تأثیر مستقیم بر عاطفه‌ی خانواده مستقل از فعالیت‌های خانواده دارد.» (۱۹۸۴: ۶۶۴ به نقل از چلبی، ۱۳۸۵: ۲۳۰).

ویلیام گاردنر در کتاب جنگ علیه خانواده اشاره می‌کند که؛ یکی از عوامل مؤثر بر نظم خانواده، تقسیم‌کار خانگی است. در قرن نوزدهم، به‌طور کلی پذیرفته‌شده بود که پرورش فرزندان با عشق و مراقبت کافی (نقش زن) و کسب درآمد کافی برای تأمین معاش خانواده (نقش شوهر) مستلزم داشتن تخصص از سوی هر یک از دو زوج، یعنی تقسیم‌کار بود (راکفورد^۳ ۱۹۹۰ به نقل از محمدی، ۱۳۸۷: ۸۵-۸۴). آنچه این نظام پدید می‌آورد، وابستگی نبود، بلکه همبستگی خانوادگی بود. همان‌گونه که چارلز موری، در کتاب «به دنبال خوشبختی و دولت خوب» اشاره می‌کند، انسان‌ها جوامع را تشکیل می‌دهند تا کارها را باهم انجام دهند، آن‌هم مهم‌ترین و مشکل‌ترین امور انسانی، همچون عشق ورزیدن به هم، مراقبت از یکدیگر، تصمیم‌گیری درباره‌ی ارزش‌های مهم،

1 Fergusson, & Horwood & Shanon

2 Booth

3 Rockford



مواظبت از این ارزش‌ها، انتقال دادن آن‌ها و نیز مراقبت از نیازمندان (موری^۱، ۱۹۸۲: ۲۸۸).

به اعتقاد بسیاری از جامعه‌شناسان، ارضای نیازهای عاطفی مهم‌ترین کارکردی است که می‌تواند بقای خانواده را در جوامع صنعتی جدید تبیین کند. ارضای عاطفی در محیط‌های دیگری مانند محیط‌های شغلی یا آموزشی نیز کم‌وبیش یافت می‌شود اما بیشتر افراد رضایت‌بخش‌ترین روابط شخصی خود را با همسران، والدین و فرزندان یا دیگر بستگان می‌یابند. حتی بسیاری از کسانی که به دلیل نیافتن امنیت و خشنودی لازم به طلاق روی می‌آورند، بار دیگر خانواده‌ی جدیدی برای دست‌یابی به آن هدف تشکیل می‌دهند (آلمکوئیست و همکاران، ۱۹۷۸: ۳۴۷).^۲ اغراق‌آمیز نیست اگر بگوییم راز قدرت عاطفی و توفیق خانواده‌ی طبیعی، تعلق خاطر ذاتی آن به دوام و بقای خود است. تعلق خاطری که مستلزم عشقی بی‌قیدوشرط خواهد بود که در هیچ گروه اجتماعی دیگری یافت نمی‌شود (گاردنر^۳، ۱۹۹۲: ۹۰). در جوامع صنعتی تثبیت شخصیت بزرگ‌سالان اهمیتی منحصربه‌فرد دارد. زیرا دو عامل ساختاری و فرهنگی در آن دخیل‌اند. عوامل ساختاری مانند زندگی در شهرهای صنعتی باعث انزوای نسبی خانواده‌ی زن‌وشوهری گردیده است و به سبب سست شدن شبکه‌های خویشاوندی و همسایگی، همسر شخص علی‌القاعده به‌صورت تنها دوست و همدم او و تنها کسی که می‌تواند بیشترین وقت را با او سپری کند، درمی‌آید. عوامل فرهنگی نیز به تغییر نگرش عمومی نسبت به ازدواج اشاره دارد. در جوامعی مانند آمریکا، نگرش غالب این است که ازدواج باید بر پایه کشش عاطفی و عشق متقابل بین دو زوج استوار باشد و میزان بالای طلاق در این جوامع، دلیل بر اهمیت این کارکرد به‌عنوان مبنای ازدواج است. اما در جوامع دیگری که کارکردهای دیگر خانواده از اهمیت بیشتری برخوردارند، حتی در صورتی که زوجین سطح بالایی از رضایت خاطر را تجربه نکنند، احتمال تداوم پیوند ازدواج زیاد است (استوکس^۴، ۱۹۸۴: ۲۹۵-۲۹۴).

رضایت خاطر یعنی این که در خانواده حرفی از طلاق نباشد. اگر نظام خانواده مبتنی بر مردسالاری یا زن‌سالاری و به‌طورکلی هوس و خودخواهی باشد، اختلاف آشکار

1 Murray

2 Almqvist & etal

3 Gairdner

4 Stoks

می‌گردد و در چنین حالتی، حقوق و احترام متقابل زن و مرد رعایت نمی‌شود. در نتیجه حق محوری جای خود را به هوس‌بازی و خودخواهی که عامل اصلی بروز اختلافات و در نهایت طلاق است می‌دهد (کوهی، ۱۳۸۷: ۱۳۴-۱۳۵). علت طلاق در درجه اول خشونت است. خشونت به معنای بدرفتاری فیزیکی، کلامی یا عاطفی یک عضو از خانواده علیه عضوی دیگر، پدیده‌ی جدیدی نیست و در گذشته نیز وجود داشته است. گزارش‌ها حکایت از آن دارد که خشونت خانگی پدیده‌ای است چندجانبه که فرزندان، همسران، خواهر و برادرها و سالمندان را دربر می‌گیرد (بستان و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۹). گستردگی این پدیده در برخی از کشورهای صنعتی بسیاری از خانواده‌ها را به کانون اضطراب، ناامنی و حتی جنایت مبدل کرده است. به گفته آنتونی گیدنز: «خانه خطرناک‌ترین مکان در جامعه‌ی امروز است. از لحاظ آماری یک فرد در هر سنی و یا از هر جنسی به مراتب بیشتر احتمال دارد که در خانه در معرض حمله فیزیکی واقع گردد تا در خیابان به هنگام شب.» (گیدنز، ۱۳۷۴: ۴۳۸).

از منظر اسلام آرامش روانی حاصل از ازدواج و مهر و مودت بین زن و شوهر از نشانه‌های الهی به شمار می‌رود (روم/۲۱). رابطه زناشویی برخلاف روابط اجتماعی دربردارنده‌ی عاملی وحدت‌بخش و انسجام‌دهنده است که تداوم رابطه را علی‌رغم تضادها و اختلاف منافع و علقه‌های زن و شوهر تضمین می‌کند. از عناصر بسیار مهم در سازگاری دو همسر و تحکیم خانواده، عشق و علاقه متقابل است (معاونت پژوهش، گروه روانشناسان، ۱۳۸۶: ۲۳۱). رسول گرامی اسلام (ص) در جواب زنی به نام حواء که از وظیفه زن نسبت به همسر خود سؤال کرد فرمود: «ای حواء حق مرد بر همسرش این است که به خانه‌اش پایبند باشد، با او مهربانی کند و محبت بورزد و نسبت به او دلسوز باشد.» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۲۴۴). گفت‌وگوی مؤدبانه و احترام‌آمیز همسران با یکدیگر و بهره‌گیری از روش مؤثر و سازنده برای ارتباط کلامی، مصداق کامل «خوب سخن گفتن» تلقی می‌شود که در راستای ایجاد محبت و نشاط در محیط خانواده است (کلینی، ۱۳۶۲: ۹۴ و ۱۰۷). حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید «با رفق و مدارا، هم‌دمی و هم‌راهی در زندگی مشترک پایدار می‌ماند.»^۱ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۴۴). رعایت نکات بیان‌شده، به رضایتمندی همسران می‌انجامد. مسلماً چنین شرایطی،

^۱ بِالرَّفْقِ تَدْوَمُ الصَّحْبَةُ

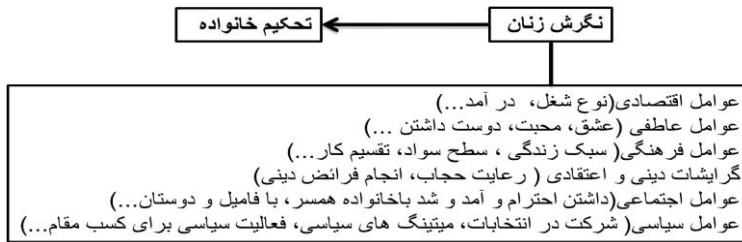


زمینه‌ای مساعد برای پیشرفت‌های فراوان فردی، خانوادگی و اجتماعی خواهد بود (معاونت پژوهش، گروه روانشناسان، ۱۳۸۶: ۴۲۹).

آنچه قابل تعمق است، فقدان جایگاه بررسی نگرش زنان در خصوص عوامل تأثیرگذار بر تحکیم خانواده، هم در تئوری‌های مذکور و هم در تحقیقات انجام‌شده، از عوامل مهمی است که در پژوهش کنونی مورد توجه قرار گرفته و بر نوآوری آن می‌افزاید. بر اساس آنچه گذشت الگوی تحقیق به شرح زیر است.

الگوی پژوهش

بر اساس پیشینه و نظریه‌های بیان‌شده، الگو تحقیق به شکل نگاره ۱ ترسیم‌شده است.



فرضیه‌های تحقیق

بر اساس مدل، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر است:

- نگرش زنان درباره‌ی اهمیت هریک از عوامل تأثیرگذار بر تحکیم خانواده یکسان نیست.
- از نظر زنان عوامل اجتماعی بر تحکیم خانواده تأثیر بیشتری دارد.
- از نظر زنان عوامل اقتصادی بر تحکیم خانواده تأثیر بیشتری دارد.
- از نظر زنان عوامل فرهنگی بر تحکیم خانواده تأثیر بیشتری دارد.
- از نظر زنان عوامل اعتقادی - دینی بر تحکیم خانواده تأثیر بیشتری دارد.
- از نظر زنان عوامل سیاسی بر تحکیم خانواده تأثیر بیشتری دارد.
- از نظر زنان عوامل عاطفی بر تحکیم خانواده تأثیر بیشتری دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر کمی از نوع پیمایشی است. در این پژوهش عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اعتقادی، عاطفی، سیاسی متغیرهای مستقل (پیش‌بین) و تحکیم خانواده، متغیر وابسته (ملاک) هستند.

جامعه آماری و فرایند نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش اعضای علمی و کارمندان دانشگاه‌های پیام نور استان همدان بودند و نمونه از مراکز و واحدهای این استان گزینش شدند. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده چندمرحله‌ای بود. بر اساس نمونه‌گیری تصادفی ابتدا شهرهایی که دارای دانشگاه بودند تعیین و ۵ شهر بهار، ملایر، همدان، تویسرکان و قهاوند انتخاب شدند. در مرحله بعد بر اساس نمونه‌گیری تصادفی ساده از هر دانشگاه اعضای علمی و کارمندان زن آن مورد مطالعه قرار گرفتند. با استفاده از فرمول زیر حجم نمونه مشخص گردید (حدود ۱۹۲ هیات علمی و کارمند).

مقدارها به شرح زیر است.

$$1\text{-prevalence} = 0/95 \quad \text{و} \quad d = 0/09 \quad \text{و} \quad q = 0/57 \quad \text{و} \quad p = 0/43 \quad z = 1/96$$

$$n = \frac{z^2 \times pq}{d^2 \times (1\text{-prevalence})} = 192$$

شیوه گردآوری اطلاعات

در مرحله مطالعه مقدماتی، نخست با تعداد محدودی از جامعه آماری (۲۰ نفر) مصاحبه و در مرحله اجرای اصلی، از پرسشنامه استفاده شد.

فنون آماری و متغیرها و پایایی آنها

برای تحلیل اطلاعات، علاوه بر آمار توصیفی، از فنون آماری پیشرفته مثل شاخص سازی با استفاده از نرم‌افزار spss و از مسیر transform/compute، و از آمار استنباطی نظیر رگرسیون چند متغیره به روش گام‌به‌گام و اینتر استفاده شد.



متغیرها و معرفها همراه با میزان پایایی آن‌ها در جدول (۱) خلاصه شده است. میزان پایایی از طریق نرم افزار spss با ورژن ۱۶ و از مسیر Analyses/ Releablity به دست آمد.

جدول ۱. معرف‌های متغیر وابسته و مستقل همراه با پایایی آن‌ها (n=۱۹۲)

متغیر	ثابت‌ها	معرف‌ها	آلفای کرونباخ
۱۶ معرف وابسته		نبود خشونت در خانواده (لفظی و فیزیکی) - رضایتمندی زن از روابط زن و شوهری - روابط منسجم و حمایت متقابل در رفتاری‌ها- گذاشتن زمان مناسب برای یکدیگر- تبادل اندیشه و احساسات- تقسیم کار بر مبنای جنس در داخل خانواده- منحصر دیدن زن و ارتباط با او با تمام عواطف (عاطفی بودن در برابر خنثی بودن)- نگاه ابزاری به زن نداشتن- گرایش‌های مذهبی مشترک داشتن- تفاوت سلیقه یکدیگر را پذیرفتن- عشق ورزیدن و بیان آن -خوش اخلاق بودن همسر- تفاهم اخلاقی زن و شوهر- در خانواده هرگز از طلاق حرفی نزدن- اوقات فراغت را باهم گذراندن- هرگز قهر نکردن و همسر را تنها نگذاشتن	۷۵/۲
۵ معرف وابسته		رعایت ادب و گفتگوی احترام‌آمیز با زن (ارتباط کلامی، مصداق خوب سخن گفتن)- اعتماد به همسر- کاهش فاصله اجتماعی و درک همسر- احترام به خانواده و فامیل همسر به صورت متقابل- گسترش دامنه ارتباطات مناسب با دوستان و آشنایان - داشتن صداقت و صمیمیت و تعهد به یکدیگر	۷۶/۹
۷ معرف وابسته		پایبندی به زندگی و مهربانی با همسر (خیانت نکردن)- نداشتن هوس‌بازی و خودخواهی- بی تفاوت نبودن نسبت به وظایف و مسئولیت‌های فردی در خانواده- تحمل شوخی در زندگی- و شاد کردن فضای خانه - نداشتن احساس زندگی از سر ناچاری، ابراز عشق و علاقه متقابل همسران در زندگی مشترک	۶۵/۹

۷۳/۸	ثروت- درآمد مکفی- تلاش برای حل مشکلات خانواده - رفاه و تفریح و سفر - شغل مناسب امنیت اقتصادی، تأمین معاش و صیانت از سلامت بهداشت خانواده؛	اقتصادی ۵ معرف	
۷۵/۳	پوشیدن نوع لباس برای جلب توجه دیگران و تابع مد روز بودن یا بر اساس فرهنگ خودی- سطح سواد و استفاده از رسانه- های کتبی مرتبط با خانواده - تماشای فیلم و تئاتر و سینما و سریالها و برنامه‌های ماهواره،- شرکت در جشنواره‌ها و همایش‌ها و اجلاس‌های علمی در طول سال، ترجیح سبک زندگی (بر اساس فرهنگ خودی یا مدرن)	فرهنگی (۶ معرف)	
۷۳/۵	کمرنگ نشدن اعتقادات مذهبی در خانواده (انجام واجبات شرعی مثل نماز و روزه) - پوشش اسلامی و حجاب- پای بندی اعضاء خانواده به اصول و ارزش‌های مذهبی و حفظ حریم خودآرایی-- احترام به عرف و ارزش‌های جامعه	اعتقادی و مذهبی ۴ معرف	
-	نداشتن اختلاف نظر سیاسی - مشارکت اجتماعی و سیاسی (۲ معرف)	سیاسی	
۷۹/۶	۲۹ متغیر	کل متغیرهای مستقل	
۸۳/۸	تعداد کل معرف‌ها: (۴۵ معرف- ۲۹ معرف متغیر مستقل و ۱۶ معرف متغیر وابسته)	کل متغیرها	

یافته‌ها: الف- آمار توصیفی

۱. توزیع آماری ویژگی‌های شخصی پاسخگویان به شرح زیر خلاصه شده است.
 ۵۹/۴٪ کارمند و ۴۰/۶٪ هیات علمی، ۴۹/۵٪ تحصیلات در حد ارشد و ۱۵/۱٪ دکتری و بقیه تحصیلات کمتر از ارشد داشتند، بیشترین میانگین سنی بین ۳۰ تا ۳۹ سال (۶۵/۵٪)، و بیشترین رشته تحصیلی انسانی (۴۲/۸٪) و سپس ریاضی (۳۰/۷٪) گزارش شده. ۷۸/۶٪ پاسخگویان متاهل بودند.



۲. توزیع آماری مولفه‌های متغیر وابسته (تحکیم خانواده)

توزیع فراوانی نظر پاسخگویان درباره ویژگی خانواده پایدار و باثبات در جدول شماره ۲ خلاصه شده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی نظر پاسخگویان درباره ویژگی‌های

خانواده پایدار و باثبات (n = ۱۹۲)

ردیف	متغیر معتبر	کاملاً موافق و موافق (درصد)	مخالف و کاملاً مخالف (درصد)
۱	نبود خشونت در خانواده	۹۱/۶	۲/۱
۲	رضایتمندی زمینه‌ساز خوشبختی و آرامش	۹۲/۷	۱
۳	روابط منسجم بین همسران	۸۹/۱	۳/۱
۴	زمان گذاشتن برای تبادل اندیشه و احساس	۹۱/۲	۲/۶
۵	تقسیم کار بر مبنای جنس بر ثبات زناشویی	۷۶/۶	۷/۳
۶	منحصر دیدن همسر	۸۲/۹	۶/۲
۷	عدم نگاه ابزاری به همسر	۸۸/۵	۲/۱
۸	شوخی کردن و دل نگرفتن	۵۲/۷	۱۸/۲
۹	گرایش‌های مذهبی مشترک	۶۷/۷	۸/۳
۱۰	پذیرش تفاوت سلیقه همسر در جهت آرامش خانواده	۶۳/۱	۹/۹
۱۱	عشق به یکدیگر	۴۹/۴	۱۷/۳
۱۲	اخلاق خوش، صبوری و قناعت	۷۱/۹	۴/۷
۱۳	داشتن تفاهم اخلاقی در امور زندگی	۸۶/۵	۳/۶
۱۴	قهر نکردن	۶۵/۴۴	۱۱/۳
۱۵	تنها نگذاشتن همسر	۷۵/۲۲	۶
۱۶	منفور و زشت دانستن طلاق توسط زوجین	۷۶/۶	۲۳/۵
	جمع	۷۶/۳۲	۷/۴۲

بر اساس یافته‌ها ۷۶/۳۲٪ پاسخگویان با ویژگی‌های خانواده پایدار موافق و ۷/۴۲٪ مخالف بودند.

رتبه‌بندی پاسخ‌ها به روش زیر انجام گرفت. نکته قابل توجه این‌که داده‌های زیر ۵۰ رتبه‌بندی نشدند.

از ۹۰ الی ۱۰۰، رتبه اول - از ۸۰ الی ۸۹ رتبه دوم - از ۷۹ الی ۷۹ رتبه سوم - از ۶۰ الی ۶۹ رتبه چهارم - از ۵۰ الی ۵۹ رتبه پنجم یا نهایی)

همان‌طور که جدول داده‌ها نشان می‌دهد، رضایتمندی زن و شوهر (۹۲/۷٪) و نبود خشونت در خانواده (۹۱/۶٪) در درجه اول از توافق و توافق کامل پاسخگویان قرار گرفته‌اند. داشتن تفاهم اخلاقی (۸۶/۵٪) و روابط منسجم همسران و حمایت از یکدیگر در شرایط مختلف زندگی (۸۹/۱٪)، و عدم نگاه ایزاری به همسر (۸۸/۵٪)، و منحصر به فرد دیدن او (۸۲/۹٪) در مرتبه دوم؛ تقسیم کار طبیعی در درون خانواده (عاطفی بودن زن و عقلانی بودن مرد) (۷۶/۶٪)، و صبر و قناعت و خوش‌اخلاق بودن (۷۱/۹٪) و تنها نگذاشتن همسر (۷۵/۲۲٪) و منفور و زشت دانستن طلاق و حرفی از جدایی نزدن (۷۶/۶٪) در مرتبه سوم؛ داشتن گرایش‌های مذهبی مشترک (۶۷/۷٪) و قهر نکردن از همسر (۶۵/۴۴٪) و پذیرش تفاوت سلیقه یکدیگر (۶۳/۱٪) در درجه چهارم؛ شوخی کردن و به دل نگرفتن (۵۲/۷٪) و عشق به خانواده (۴۹/۴٪) در مرتبه نهایی از توافق و توافق کامل قرار گرفته‌اند.

۳. توزیع فراوانی مؤلفه‌های متغیرهای مستقل مؤثر بر تحکیم خانواده

توزیع فراوانی نظر پاسخگویان درباره عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده در جدول شماره ۳ خلاصه شده است.



جدول ۳. توزیع فراوانی عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده
از منظر پاسخگویان (n = ۱۹۲)

مخالف و کاملاً مخالف (درصد)	کاملاً موافق و موافق (درصد)	مؤلفه	متغیر مستقل	ردیف
-	۹۳/۲	آداب سخن گفتن (رعایت ادب نسبت به یکدیگر)	اجتماعی	۱
۱	۸۷/۵	اعتماد نسبت به یکدیگر		
۳/۱	۷۳/۴	عدم فاصله اجتماعی و درک کردن یکدیگر		
۱۳	۵۳/۱	احترام به خانواده و فامیل همسر		
۱۲	۴۸/۴	اجتماعی بودن و داشتن روابط با خویشان و دوستان		
۳/۱	۸۹/۱	تعهد و صمیمیت نسبت به یکدیگر		
۵/۳۶	۷۴/۱۱	جمع		
۵۱/۶	۱۸/۷	ثروت و درآمد بالا تضمین کننده ی شادی‌ها	اقتصادی	۲
۳۰/۲	۳۲/۳	وجود درآمد مکفی		
۲۹/۲	۳۴/۴	تلاش برای صیانت از سلامت و بهداشت خانواده		
۵۱/۶	۱۸/۷	رفاه و تفریح و سفر		
۱۲/۶	۶۵/۶	داشتن شغل مناسب		
۳۴/۶۴	۳۳/۹۴	جمع		
۱۷/۲	۵۸/۲	پوشیدن لباس برای جلب توجه دیگران	فرهنگی	۳
۱۹	۶۵/۵۶	اطلاعات و مطالعه کتب مرتبط با خانواده		
۶۸/۲	۱۵/۱	اهل رفتن به سینما و تئاتر و موزه‌ها با خانواده		
۷۴	۹/۴	نقش مد در حفظ خانواده		
۱۸/۲	۵۵/۲	اجتناب از تأثیر منفی سریال‌ها و برنامه‌های ماهواره بر تحکیم خانواده		
۲۹/۲	۳۴/۴	تحصیلات همسان داشتن همسران		
۳۶/۶۵	۳۹/۶۴	جمع		

۶/۲	۷۷/۶	کمرنگ نشدن اعتقادات مذهبی در خانواده (انجام واجبات شرعی مثل نماز و روزه)	اعتقادی	۴
۱۳	۶۳/۵	پوشش اسلامی و حجاب		
۸/۳	۶۷/۷	گرایش‌های مذهبی مشترک لازمه داشتن خانواده پایدار		
۷/۳	۶۹/۲	تأثیر حفظ حریم خودآرایی و طرز پوشش توسط اعضا		
۱۲/۱۲	۶۹/۵	جمع		
۱	۹۴/۸	پایبندی زن به زندگی و مهریانی با همسر (خیانت نکردن)	عاطفی	۵
۵/۸	۸۳/۳	نداشتن هوس‌بازی و خودخواهی برای مرد		
۱۸/۲	۵۲/۷	تحمل شوخی در زندگی توسط زن و شوهر		
۱	۹۵/۳	عشق و علاقه متقابل زن و شوهر		
۶۸/۲	۱۵/۱	شاد و خوش کردن فضای خانواده		
۵/۷	۷۲/۴	نداشتن احساس از سر ناچاری زندگی کردن توسط زن و مرد		
۱/۶	۷۸/۱	کاهش بی‌تفاوتی نسبت به وظایف و .. توسط زن و مرد		
۱۴/۲۷	۷۰/۲۴	جمع		
۴۸/۹	۱۸/۷	نداشتن اختلاف‌نظر در گرایش‌های سیاسی زوجین	سیاسی	۶
۳۹/۸	۳۳/۱	تفاهم در مشارکت سیاسی		
۸۸/۸	۵۱/۸	جمع		
ترتیب میزان موافقت با عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده‌ها				
۵/۳۶	۷۴/۱۱	اجتماعی	۱	ترتیب فراوانی‌ها
۱۴/۲۷	۷۰/۲۴	عاطفی	۲	
۱۲/۱۲	۶۹/۵	اعتقادی	۳	
۸۸/۸	۵۱/۸	فرهنگی	۴	
۳۶/۶۵	۳۹/۶۴	سیاسی (تردید به دلیل محدودیت مؤلفه‌ها)	۵	
۳۴/۶۴	۳۳/۹۴	اقتصادی	۶	



همان‌طور که جدول داده‌ها نشان می‌دهد، زنان در عامل اجتماعی، (۹۳/۲٪) رعایت ادب نسبت به یکدیگر را مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر تحکیم بنیان خانواده گزارش کرده‌اند و (۸۹/۱٪) تعهد و صمیمیت همسران نسبت به هم، (۸۷/۵٪) اعتماد در خانواده و (۷۳/۴٪) نداشتن فاصله اجتماعی و درک یکدیگر؛ (۵۳/۱٪) احترام به خانواده همسر و اجتماعی بودن و (۴۸/۴٪) داشتن روابط با خویشان و دوستان را در حد موافق و کاملاً موافق، گزارش کرده‌اند که بر تحکیم خانواده تأثیر دارند.

توزیع فراوانی عامل اقتصادی نشان می‌دهد، داشتن ثروت و درآمد بالا و متغیر داشتن رفاه و تفریح و سفرهای فراوان (۱۸/۷٪) از توافق چندانی از سوی پاسخگویان برخوردار نشده و این عامل به‌تنهایی شادی‌آور و تضمین‌کننده‌ی تحکیم خانواده‌ها نیست. برخوردار بودن از شغل مناسب برای آقایان (۶۵/۶٪) از نظر پاسخگویان بیشترین تأثیر را بر تحکیم خانواده‌ها دارد. تلاش برای صیانت از سلامت و بهداشت خانواده (۳۴/۴٪) و وجود درآمد مکفی (۳۲/۳٪) در مرتبه دوم از توافق و موافق کامل پاسخگویان قرار گرفته‌اند.

توزیع فراوانی عامل فرهنگی نشان می‌دهد، به ترتیب، (۶۵/۵۶٪) آگاهی و مطالعه کتب مرتبط با تحکیم خانواده، (۵۸/۲٪) پوشیدن لباس برای این‌که موردتوجه دیگران قرار گیرد، (۵۵/۲٪) اجتناب از تأثیر منفی سریال‌ها و برنامه‌های ماهواره‌ای، (۳۴/۴٪) برخورداری همسران از سطح تحصیلات همسان، (۱۵/۱٪) اهل رفتن به سینما، موزه، تئاتر همراه با خانواده و درنهایت (۹/۴٪) تابع مد بودن در حد کاملاً موافق و موافق گزارش کرده‌اند که بر تحکیم خانواده‌ها تأثیر گذارند.

همان‌طور که توزیع فراوانی عامل اعتقادی - مذهبی نشان می‌دهد، به ترتیب، (۷۷/۶٪) کم‌رنگ نشدن اعتقادات مذهبی و انجام و اجبات دینی، (۶۹/۲٪) حفظ حریم خودآرایی و طرز پوشیدن لباس در حضور دیگران توسط همسر، (۶۷/۷٪) داشتن گرایش‌های مذهبی مشترک و (۶۳/۵٪) پوشش اسلامی و رعایت حجاب را در حد موافق و کاملاً موافق گزارش کرده‌اند که بر تحکیم خانواده‌ها تأثیر دارد.

۱. همان‌طور که توزیع فراوانی عامل عاطفی نشان می‌دهد، به ترتیب، ۹۵/۳٪ پاسخگویان عشق و علاقه متقابل همسران و ۹۴/۸٪ خیانت نکردن زنان به شوهرانشان را در حد کاملاً موافق و موافق بیان داشته‌اند که بر تحکیم بنیان خانواده مؤثر است. همچنین ۸۳/۳٪ نداشتن هوس‌بازی و خودخواهی

مردان، ۷۸/۱٪ کاهش بی تفاوتی نسبت به وظایف و مسئولیت‌ها در خانواده، ۷۲/۴٪ نداشتن احساس زندگی کردن با همسر از سر ناچاری، (۵۲/۷٪) تحمل شوخی‌های همسر و (۱۵/۱٪) شاد و خوش بودن محض را در حد کاملاً موافق و موافق در تحکیم بنیان خانواده‌ها مؤثر دانسته‌اند.

۲. همان‌طور که داده‌های سیاسی نمایانگر است، ۱۸/۷٪ داشتن گرایش‌های سیاسی مشترک را در حد موافق و کاملاً موافق گزارش کرده‌اند که بر تحکیم خانواده تأثیر دارد. و بیشتر مخالف این موضوع هستند (۴۸/۹٪). همچنین ۳۳/۱٪ در حد کاملاً موافق و موافق، تفاهم همسران در مشارکت سیاسی را بر تحکیم خانواده‌ها مؤثر دانسته‌اند. و ۳۹/۸٪ کاملاً مخالف و مخالف این موضوع هستند.

در مجموع، متغیر اجتماعی با درصد فراوانی (۷۴/۱۱٪) در جایگاه نخست از میزان موافقت، متغیر عاطفی با (۷۰/۲۴٪) در جایگاه دوم، اعتقادی با (۶۹/۵٪) در جایگاه سوم، سیاسی با (۵۱/۸٪) در جایگاه چهارم، فرهنگی با (۳۹/۶۴٪) در جایگاه پنجم و در نهایت متغیر اقتصادی با (۳۳/۹۴٪) در جایگاه ششم قرار گرفت.

آزمون فرضیه‌ها

بین نگرش زنان نسبت به عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اعتقادی - دینی و عاطفی و تأثیر آن‌ها بر تحکیم خانواده رابطه معناداری وجود دارد. برای آزمون فرضیه از رگرسیون یک متغیره به روش اینتر و چند متغیره به روش گام‌به‌گام استفاده شد. نتایج در جدول ۴ و ۵ خلاصه شد. ابتدا یافته‌های رگرسیون چند متغیره به روش گام‌به‌گام از نظر می‌گذرد.



جدول ۴. رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام

Mode	۱					۲					۳					۴					۵				
	فرهنگی	عاطفی	اعتقادی	سیاسی	اجتماعی	فرهنگی	عاطفی	اعتقادی	سیاسی	اجتماعی	فرهنگی	عاطفی	اعتقادی	سیاسی	اجتماعی	فرهنگی	عاطفی	اعتقادی	سیاسی	اجتماعی	فرهنگی	عاطفی	اعتقادی	سیاسی	اجتماعی
R	.۵۸۸					.۶۲۹					.۷۰۸					.۷۲۱					.۷۳۷				
R Square	.۳۴۶					.۳۹۶					.۵۰۲					.۵۲۰					.۵۳۶				
Sig	.۰۰۰۰					.۰۰۰۰					.۰۰۰۰					.۰۰۰۰					.۰۰۰۰				
F	۹۹/۸۱۷					۶۱/۶۶۳					۶۲/۷۹۵					۵۰/۳۸۵					۴۲/۶۲۶				
Mean Square	۴۹۲۵/۵۷۹					۲۸۲۷/۸۲۰					۳۲۸۴/۹۴					۱۸۵۷/۹۴۲					۱۵۲۶/۵۷				
	۴۹/۳۴۶					۴۵/۷۷۹					۳۷/۹۶۶					۳۶/۷۷۵					۳۵/۷۹۳				
df	۱					۲					۳					۴					۵				
	۱۸۹					۱۸۸					۱۸۷					۱۸۶					۱۸۵				
B	۳۱/۹۴۶					۴۱/۱۴۵					۱۷/۴۹۳					۱۸/۵۶۷					۱۴/۳۹۸				
	متغیر مستقل					متغیر مستقل					متغیر مستقل					متغیر مستقل					متغیر مستقل				
Beta	.۵۸۸					.۵۵۴					.۴۶۷					.۴۴۶					.۴۳۰				
	.۰۵۸۸					.۰۳۲۷					.۰۴۴۴					.۰۳۷۲					.۰۳۴۴				

همان‌طور که جدول رگرسیون گام‌به‌گام نشان می‌دهد. متغیر فرهنگی اولین عامل تبیین‌کننده تغییرات متغیر تحکیم خانواده است که در تحلیل وارد شده و به‌تنهایی ۵۸/۸٪ تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. متغیر دوم عامل عاطفی است که با ترکیب متغیر فرهنگی ۶۲/۹٪ تغییرات را تبیین می‌کند. در گام سوم متغیر اعتقادی - دینی هم‌زمان با متغیرهای عاطفی و فرهنگی، ۷۲/۱٪ از تغییرات را تبیین می‌کنند. در گام چهارم متغیر سیاسی نیز در تحلیل وارد شد و چهار متغیر هم‌زمان ۷۲/۷٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. در هر مرحله که متغیر جدیدی وارد می‌شود در صد اندکی از تغییرات را تبیین می‌کند. در میان این چهار متغیر، متغیر فرهنگی بیشترین (۵۸۸/۰) و متغیر سیاسی کمترین تبیین‌کننده‌ی (۰/۰۰۸) تغییرات متغیر وابسته است. متغیر اقتصادی در این تحقیق تأثیر چندانی نداشته و در تحلیل وارد نشده است. با توجه به آن‌وا، رابطه بین این متغیرها با تحکیم خانواده معنادار است و می‌توان بیان داشت که با ۹۹٪ اطمینان تغییرات تحکیم خانواده از روی میزان تغییرات این متغیرها قابل پیش‌بینی است ($\text{sig} = 0/000 < 0/01$).

مقدار بتا (ضریب اهمیت تأثیرگذاری) نشان می‌دهد که در ترکیب فرهنگ با سه متغیر عاطفی، اعتقادی و سیاسی بیشترین اهمیت را در تبیین تغییرات تحکیم خانواده دارد (۰/۶۶۵) و متغیر عاطفی در ترکیب با دو متغیر دیگر بیشترین اهمیت را دارد (۰/۴۴۶). متغیر اعتقادی - دینی در ترکیب با سایر متغیرها دارای ضریب اهمیت معکوس (و یا منفی) است (۰/۴۰۶، -۰/۳۷۲، -۰/۳۴۷). نکته قابل‌تأمل این است که به ازای هر واحد تغییر در متغیر اعتقادی - دینی در درون خانواده، از تحکیم خانواده کاسته می‌شود. این یافته بیانگر تضعیف اعتقادات در خانواده است و رسانه‌های فرامرزی مانند استفاده از برنامه‌های مبتذل ماهواره‌ها در این مورد نقش اساسی دارند که نباید از دید صاحبان اندیشه پنهان بماند.

در مرحله دوم یافته‌های رگرسیون یک متغیره و عوامل تأثیرگذار بر تحکیم خانواده از نظر می‌گذرد.

در این مرحله برای این که وضعیت تأثیرگذاری هریک از متغیرها به‌تنهایی شناسایی شود، با استفاده از رگرسیون یک متغیره با روش اینتر، رابطه متغیرها با متغیر وابسته جداگانه بررسی شدند. نتایج در جدول ۵ خلاصه شده است.



فرضیه: رابطه معناداری بین هر یک از متغیرهای مستقل (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، عاطفی، اعتقادی و سیاسی) با تحکیم بنیان خانواده وجود دارد. $H1 \neq H2$

جدول ۵. رگرسیون یک متغیره عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده از منظر پاسخگویان

متغیر	اقتصادی	اجتماعی	فرهنگی	عاطفی	اعتقادی	سیاسی
R	۰/۰۲۵	۰/۴۴۹	۰/۵۸۸	۰/۳۰۹	۰/۰۲۴	۰/۰۰۸
Sig	۰/۷۳۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۷۳۳	۰/۹۰۹

همان‌طور که جدول ۵ نشان می‌دهد، رابطه بین متغیر اقتصادی با متغیر تحکیم خانواده معنادار نیست ($Sig = ۰/۷۳۳ > ۰/۰۵$) و ضریب تأثیر بسیار ناچیز است ($R = ۰/۰۲۵$). رابطه بین متغیر اجتماعی با متغیر تحکیم خانواده معنادار ($Sig < ۰/۰۵$) و همبستگی بسیار قوی و قدرت تبیین بالاست ($R = ۰/۴۴۹$). رابطه بین متغیر فرهنگی با متغیر خانواده معنادار ($Sig < ۰/۰۵$) و همبستگی و قدرت تبیین بسیار قوی است ($R = ۰/۵۸۸$). رابطه بین متغیر عاطفی با تحکیم خانواده معنادار ($Sig < ۰/۰۵$) و همبستگی و قدرت تبیین قوی است ($R = ۰/۳۰۹$). رابطه بین متغیر اعتقادی با تحکیم خانواده معنادار نیست ($Sig = ۰/۷۳۳ > ۰/۰۵$) و همبستگی بسیار ناچیز است ($R = ۰/۰۲۴$). رابطه بین متغیر سیاسی با تحکیم خانواده نیز معنادار نیست ($Sig = ۰/۹۰۹ > ۰/۰۵$) و همبستگی بسیار ناچیز و قدرت تبیین در حد صفر است ($R = ۰/۰۰۸$).

با توجه به یافته‌های جدول ۵، متغیرهای فرهنگی، اجتماعی، عاطفی متغیرهای مناسبی برای تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر تحکیم خانواده هستند. و آنوا نشان داد فرض تحقیق این سه عامل در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید شد ($\alpha < ۰/۰۵$).

متغیرهای اعتقادی، سیاسی و اقتصادی توان پیش‌بینی و تحلیل تغییرات متغیر تحکیم خانواده را به‌تنهایی ندارند. و فرض تحقیق این سه عامل رد شد و آنوا نشان داد که رابطه معنی‌داری بین این سه عامل با تحکیم خانواده وجود ندارد ($\alpha > ۰/۰۵$).

اما در مرحله‌ای که از رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام استفاده شد، تنها متغیری که در این تحقیق قدرت پیش‌بینی و تحلیل تغییرات متغیر تحکیم خانواده را نداشت، متغیر اقتصادی بود که وارد تحلیل نشد.

نتیجه‌گیری و بحث و پیشنهاد

به واسطه تغییر تحولاتی که طی دهه‌های گذشته در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران به وجود آمده که منتج از یادگیری‌های اجتماعی، شرایط محیطی و ارزش‌ها و هنجارهای تغییر یافته در سطح جامعه است، تحکیم و ثبات خانواده نیز تغییر کرده که بی‌ارتباط با نگرش‌های موجود در سطح جامعه نمی‌تواند باشد. به تبع این تغییرات نگرش زنان نیز متفاوت شده است. به همین دلیل است که در این تحقیق نگرش زنان درباره‌ی مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اعتقادی، عاطفی و سیاسی تأثیرگذار بر تحکیم خانواده مورد مطالعه و سنجش قرار گرفت.

نتایج یافته‌های آمار توصیفی به شرح زیر است.

۱. زنان به عوامل اجتماعی، عاطفی و فرهنگی در مقایسه با عوامل اقتصادی و سیاسی، بسیار اهمیت می‌دهند. در ارتباط با مؤلفه‌های هر یک از عوامل، نتایج به شرح زیر به دست آمد.

نتایج مؤلفه‌های اجتماعی: زنان به آداب سخن گفتن، اعتماد به یکدیگر، عدم فاصله اجتماعی و درک یکدیگر و بخصوص داشتن تعهد نسبت به خانواده از سوی مردان اهمیت می‌دهند.

نتایج مؤلفه‌های عاطفی: زنان عشق متقابل و اظهار عشق و دوست داشتن از سوی مردان، قهر نکردن و تنها نگذاشتن آن‌ها و نداشتن احساس ناچاری زندگی کردن همسرانشان با آن‌ها، وجود صمیمیت و وفا را مهم قلمداد کرده‌اند و آن‌ها را از عوامل بسیار مهم در تحکیم خانواده‌ها برشمرده‌اند.

نتایج مؤلفه‌های اقتصادی: داشتن شغل مناسب برای زنان از اهمیت برخوردار است اما عامل اقتصادی نسبت به عوامل دیگر چندان اهمیتی ندارد.

۲. فراوانی نگرش زنان در ترتیب میزان اهمیت هر یک از عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده به شرح زیر است، (۷۴/۱۱٪) عوامل اجتماعی، (۷۰/۲۴٪) عوامل عاطفی، (۶۹/۵٪) عوامل اعتقادی، (۵۱/۸٪) عوامل سیاسی، (۳۹/۶۴٪) عوامل فرهنگی و در نهایت (۳۳/۹۴٪) عوامل اقتصادی را گزارش کرده‌اند.



نتایج یافته‌های آمار استنباطی به شرح زیر است.

۱. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که در گام اول متغیر فرهنگی وارد تحلیل شد زیرا بیشترین تبیین‌کننده تغییرات تحکیم خانواده بود ($R = 0.58/8$). این متغیر به‌تنهایی $0.58/8$ تغییرات تحکیم خانواده را پیش‌بینی می‌کند. در گام دوم متغیر عاطفی ($R = 0.62/9$) و در گام سوم متغیر اعتقادی ($R = 0.72/1$) و در گام چهارم متغیر سیاسی ($R = 0.72/7$) و در گام پنجم متغیر اجتماعی وارد تحلیل شد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود با ورود هریک از متغیرها بر میزان تغییرات پیش‌بینی‌کننده‌های تحکیم خانواده افزوده شده است. این ۵ شاخص $0.72/7$ تغییرات تحکیم خانواده را پیش‌بینی می‌کنند. یعنی عوامل فرهنگی، عاطفی، اعتقادی و اجتماعی ($R = 0.727$) بیشترین تبیین‌کننده تغییرات متغیر تحکیم خانواده بوده و متغیر اقتصادی برخلاف انتظار تأثیر چندانی نداشته و در آزمون تبیین وارد نشد. این از نتایج تازه و جالب توجه است که برخلاف عقل سلیم حاکم بر جامعه که زنان را به‌ظاهر موجودی عینی و مادی و مصرف‌گرا قلمداد می‌کند و اقتصاد و داشتن شغل عالی و با درآمد گزاف برای مردان را در درجه اول اهمیت قرار می‌دهد تا خانواده آرامش و ثبات داشته باشد، در این تحقیق نشان داده شد که وجود عوامل فرهنگی، عاطفی و اجتماعی برای زنان بسیار اهمیت دارد. داشتن ادب اجتماعی برای مردان و رعایت احترام متقابل از سوی آن‌ها، تنها نگذاشتن و قهر نکردن با آن‌ها از یک‌سو و ابراز عشق و محبت و عدم خیانت از سوی دیگر برای زنان بیش از هر چیزی ارزشمند است.

۲. نتایج رگرسیون با روش اینتر نیز نشان داد که سه عامل فرهنگی ($R = 0.588$)، اجتماعی ($R = 0.449$) و عاطفی ($R = 0.309$) تبیین‌کننده‌ی بسیار قوی بوده و همبستگی بالایی با تحکیم خانواده دارند اما متغیرهای اقتصادی ($R = 0.025$) و اعتقادی ($R = 0.024$) و سیاسی ($R = 0.008$) کمترین تبیین‌کننده تغییرات تحکیم خانواده بوده و تأثیر چندانی بر آن ندارند. از پیامدهای مدرنیته، تضعیف و جابه‌جایی ارزش‌های اعتقادی - دینی جوامع است. وجود ابزارها و مراکز فرهنگ‌ساز و رسانه‌های جمعی فرامرزی مثل ماهواره‌ها در ساخت برنامه‌های ضد ارزشی بیشترین تأثیر را در تغییر نگرش خانواده‌ها و بخصوص زنان دارد. افزایش اعتقادات دینی مثل رعایت حجاب و پای‌بندی به اصول و ارزش‌های مذهبی و انجام فرایض و تعهدات و... باید در تحکیم

خانواده تأثیر بسزایی داشته باشد اما نتایج نشان داد که با افزایش این متغیر از تحکیم خانواده‌ها کاسته شده است. این نتیجه به القائات و تبلیغات رسانه‌های فرامرزی به‌ویژه ورود ماهواره‌ها به حریم خصوصی خانواده‌ها مربوط می‌شود که اعتقادات دینی خانواده‌ها را نشانه رفته است.

بحث

یافته‌های این تحقیق، نتایج یافته‌های تحقیقات (محمدی، ۱۳۸۷ و نوری، ۱۳۹۱ و عبدی و یزدانی مقدم، ۱۳۸۸ و بستان نجفی، ۱۳۸۹ و گری، ۱۳۷۸ و خطیبی، ۱۳۹۱، فرگوس و هارود و شانون، ۱۹۸۴ و بوث و همکاران، ۱۹۸۳ و مادسن و ابل، ۲۰۱۰) را در رابطه با عوامل اعتقادی - مذهبی تأیید می‌کند و هماهنگ با روایات معصومین در این خصوص (به نقل از کلینی و تمیمی آمدی) است.

در رابطه با عوامل عاطفی، در جهت تأیید نتایج آلکوتیست و همکاران، ۱۹۷۸ و ویلیام گاردنر، ۱۹۹۲ و همیلتون، پارکر، ۲۰۰۲ و چلیبی، ۱۳۸۵ و نوری، ۱۳۹۱ و خالدی و همکاران، ۱۳۹۳ است و با نظریه‌های دورکیم و پارسنز، و اتکینسون، و همکاران، جانسون، موری، جانسون و همکارانش و روایات معصومین در این خصوص (به نقل از نوری طبرسی) هماهنگ است.

در رابطه با عوامل اجتماعی، نتایج تحقیقات ناهید، غلام پور و سکین عبدالغنی، ۱۳۸۸ و مادسن و ابل، ۲۰۱۰ و جین، ۱۹۹۹ را تأیید می‌کند و با نظریه‌های پارسنز و دورکیم و ویلیام گاردنر و بات و اعزازی هماهنگ است.

هم‌چنین در رابطه با عوامل فرهنگی، نتایج تحقیق غلام پور و سکین عبدالغنی را تأیید می‌کند. در رابطه با عوامل اقتصادی، نتایج غلام پور و سکین عبدالغنی، راس و گری و بات را تأیید می‌کند.

زنان در فرهنگ زنانه به کیفیت زندگی (مویج و همکاران^۱، ۲۰۰۲)، اهمیت بیشتری می‌دهند و رابطه مدارند و به ارتباطات بین فردی توجه بیشتری نشان می‌دهند (خالدی و همکاران، ۱۳۹۳). به همین دلیل به عوامل عاطفی و اجتماعی بیشتر توجه دارند. زیرا از سرمایه‌های درونی زنان عاطفه است (ناهید، ۱۳۶۰) که موجب می‌شود برای زندگی و همسر خود فداکاری کنند و زحمات طاقت‌فرسای پرورش نسل را بر عهده بگیرند. برای



انجام این وظایف نیازمند توجه عاطفی و رعایت آداب اجتماعی از سوی همسرانشان نیز هستند.

همچنین با توجه به شاغل بودن زنان مورد مطالعه، بر اساس نظر بات (۱۹۷۱) و (۱۳۷۳) شبکه روابط اجتماعی آن‌ها متراکم بوده و برقراری روابط اجتماعی محترمانه با دوستان و آشنایان همسرشان نیز به سرمایه اجتماعی آن‌ها می‌افزاید. به همین دلیل عوامل اجتماعی برای آن‌ها دارای اهمیت است.

از نتایج جالب توجه دیگر این که با وارد شدن متغیر اعتقادی در رگرسیون گام و گام، ضریب اهمیت منفی و معکوس شد. یعنی از نظر زنان با افزایش عوامل اعتقادی - دینی از تحکیم خانواده کاسته می‌شود. این نتیجه می‌تواند ناشی از پیامدهای دنیای مدرن و عصر ارتباطات و استفاده از برنامه‌های فرامرزی (به‌ویژه ماهواره‌ها) و جابه‌جایی ارزش‌ها و تغییر سبک زندگی در خانواده باشد.

با توجه به تلاش‌های فعالان فرهنگی در ایران و بخصوص در شهر همدان که دارالمومنین لقب دارد، جای بسی تعجب است که چرا باورهای اعتقادی - دینی توان خود را در برابر تحکیم و ثبات خانواده‌ها تا حدودی از دست داده است؟! آیا این یافته به اثر استفاده از برنامه‌های ماهواره و برقراری ارتباطات فرامرزی رسانه‌ها بستگی دارد؟ آیا عوامل فرهنگ‌ساز جامعه، در نحوه آموزش ارزش‌ها و اعتقادات، مسیر درستی را انتخاب نکرده‌اند؟! چرا علی‌رغم هزینه‌های گزافی که برای اهداف فرهنگی - اعتقادی اختصاص یافته، نتیجه تحقیق چیز دیگری را نشان می‌دهد؟ این نتیجه نیازمند مطالعات بیشتر است.

بر اساس نتایج، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- محققین موضوع رابطه عوامل اعتقادی - مذهبی را در سطح ملی و فرهنگ کلان جامعه واکاوی نموده تا به حقیقت آن بیشتر دست یابند.
- به مردان آموزش‌های اجتماعی و عاطفی لازم در رابطه با نحوه تعامل و برخورد با همسرانشان داده شود.
- با افزایش سواد رسانه‌ای در جامعه، می‌توان خانواده‌ها را حتی با دیدن برنامه‌های ماهواره‌ها از خیانت به همسران بیمه کرد. عوامل فرهنگی جامعه در این خصوص رسالت سنگین‌تری دارند.

- مسئولان ذی‌ربط با نظام خانواده به سرمایه اجتماعی و شبکه خانواده‌ها بیشتر توجه کنند. در مشاوره به خانواده‌ها از منابع غنی اسلامی استفاده شود. این منابع کاملاً کاربردی بوده و با آموزش عمیق آن‌ها می‌توان حل بسیاری از مسائل مرتبط با زنان و خانواده را بیمه کرد. با توجه به عاطفی و احساسی بودن زنان، اثربخشی برنامه‌های فرهنگی - دینی غنی می‌تواند اثرگذار باشد.
- تلاش همگانی، در جهت افزایش اعتماد و تعهد در درون خانواده از الزامات جامعه امروز است. وجود روابط عاطفی و گرم و محترمانه، بی‌تفاوتی را در جامعه کاهش می‌دهد. در این خصوص رسانه‌های جمعی دیداری و شنیداری بیشترین و مهم‌ترین رسالت را دارند.
- با ساخت فیلم‌ها و سریال‌های جذاب و متناسب با عصر جدید و غنی کردن برنامه‌های رسانه‌های داخلی می‌توان تا حدود زیادی از اثرات منفی برنامه‌های فرامرزی مؤثر بر خانواده‌ها جلوگیری کرد.
- از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تحکیم خانواده، وقت گذاشتن بیشتر اعضای خانواده بخصوص زن و شوهر برای هم است. چنانچه فرهنگ بازار در ادارات و سازمان‌های دولتی و غیردولتی اعمال گردد، یعنی ساعت شروع کار از ۹ صبح تا ۱۲ و در بعدازظهر از ساعت ۳ تا ۶ تنظیم گردد آنگاه اعضای خانواده هم در وقت صبحانه و هم در وقت ناهار و شام باهم‌اند و لحظات طلایی در کنار یکدیگر بوده و توان پرداختن به تربیت صحیح فرزندان را نیز داشته و از زندگی لذت خواهند برد.
- همچنین پیشنهاد می‌گردد که محققین موضوع را در سطح ملی و با مؤلفه‌های دیگری از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و عاطفی مذکور در این تحقیق، انجام دهند تا نیمرخ روشن‌تر و کامل‌تری از موضوع به دست آید.



منابع

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای، به خط مصطفی اشرفی، دفتر فرهنگی نوری وابسته به انتشارات مهشاد.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- بات، الیزابت (۱۳۷۳). *نقش‌های زناشویی و شبکه‌های اجتماعی*، ترجمه پویان، حسن، تهران، چاپخش.
- بستان نجفی، حسین؛ بختیاری، محمد عزیز؛ شرف‌الدین، سید حسین (۱۳۸۹). *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*، چاپ پنجم، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- تمیمی‌آمدی، عبدالواحد ابن محمد (۱۳۸۵)، *غررالحکم و درر الکلم*، تصحیح سید مهدی رجایی، ج ۸۵، قم، دارالمکتب الاسلامیه.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۵). *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*، چاپ اول، تهران، نشر نی. نسخه: ۱۶۵۰.
- خالدی، شیدا؛ موتابی، فرشته؛ تقی‌پور، ابراهیم؛ باقریان، فاطمه (۱۳۹۳). *حفاظت‌کننده ازدواج در افراد متأهل دارای عوامل خطر*، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، صفحه ۳۱-۴۵.
- خطیبی، اعظم (۱۳۹۱). *مفاهیم جامعه‌شناختی در پنج سوره اول قرآن کریم*، چاپ اول، همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۹). *درباره‌ی تقسیم‌کار اجتماعی*، ترجمه پرهام، باقر، بابل، کتابسرای بابل.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران، انتشارات سمت.
- عبدی، علی‌اصغر؛ یزدانی‌مقدم، حمیدرضا (۱۳۸۸). *تأثیر تعالیم دینی و کسب مهارت‌های زندگی در سیره رضوی*، چاپ اول، مشهد: بهمن ۱۳۷۷. به نقل از سایت جامع مدیریت مدیر یار.
- غلام‌پور، محمد؛ سکین عبدالغنی، اسامه (۱۳۸۸). *عوامل تحکیم خانواده*، راه تربیت، فصلنامه‌ای در عرصه‌ی فرهنگ و تربیت اسلامی، شماره ۹، صفحه ۸۸-۱۲۴. نقل از سایت www.noormags.com

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲)، *اصول کافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کوهی، محمدرضا (۱۳۸۷). *آسیب‌شناسی شخصیت و محبوبیت زن با محوریت عفاف و حجاب*، چاپ پنجم، انتشارات مشهور.
- گری، جی (۱۳۸۷). *راز ناسازگاری‌های مردان مریخی و زنان ونوسی*، ترجمه صادقی، فرهاد، تهران، نشر قطره.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی*، ترجمه صبوری، منوچهر، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی؛ بردسال، کارل (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی - با تجدیدنظر کامل و روزآمد شده*، ترجمه چاوشیان، حسن، چاپ سوم، تهران، نشر نی.
- محمدی، معصومه (۱۳۸۷). *جنگ علیه خانواده ویلیام گاردنر، برگردان و تلخیص، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران دفتر مطالعات و تحقیقات زنان*. شمارگان ۲۸۰۰.
- معاونت پژوهش، گروه روانشناسان (۱۳۸۶). *تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن*، چاپ دوم، انتشارات مؤسسه آموزش و پرورش امام خمینی (رحمه‌الله علیه).
- ناهدید، عبدالحسین (۱۳۶۰). *زنان ایران در جنبش مشروطه*، تبریز، احیا.
- نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸ ه. ق.). *مستدرک الوسایل*، ج ۲ و ۳، بیروت، موسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- نوری، اعظم (۱۳۹۱). *عوامل تضعیف استحکام خانواده*، فصلنامه‌ای در عرصه مطالعات زنان و خانواده، صفحه ۸۷-۱۱۴.
- Almquist, Elizabeth M. & etal. (1978), *sociology, Women, Menand society*, New York: Palgrave.
- Atkinson M. P., & Glass, B. L. (1987) "*Marital age heterogamy and homogamy*", *Journal of Marriage and the Family*, 47(3) (1985).
- Atkinson, G.B.J. & Mc Carthy, B. & Phillips, K. M., (1987), *Studing Society. An Introduction to Social Science*, Oxford University Press.
- Beck, U. (1994), *Giddens, s and Lash*, Scott: Reflexive Modernization, Polity.
- Beck, U. (1992), *Risk society: Towards a New Modernity*, Sage.
- Bott, E. (1971). *Family and Network*, London: Tavistock.



- Booth, A., & Johnson, D., & Edwards, J. N., (1983)"*Measuring Marital Instability*", *Journal of Marriage and the Family*, Vol 45, NO.2, May: 387-392.
- Brinker hoff. D. B. & white .Lynnk, K. (1988)."*Marital Satisfaction in an Economically Marginal Population*", *journal of marriage and the family*, Vol 40, No. 2, May: 387-392.
- Edalati, A., Redzuan, M. (2010)."*Perception of women towards family values and Their marital satisfaction*". *Journal of American Science*, 6(4), 7-132.
- Fergusson, D. M. & Horwood, L. J. & Shanon, F. T. (1984).*A Proportional Hazards Model of Family Breakdown*, , *Journal of Marriage and the Family*, Vol 46, NO.3, August: 539-549.
- Gairdner, W. (1992), *the War against the Family*, by Paul Crouser. Reviewed. By D. Stoddart Publishing Company Ltd.
- Hamilton, P. (1983), *Talcot Parsons*, London: Routledge.
- Jane, R (1999). *Dr. Jane's notebook: Improving your marital satisfaction* available on <http://www.dr.Jane.com>.
- Johnson, S.M., Makinen, J.A. & Millikin, J.W. (2001). Attachment injuries in couple Relationship: a new perspective on impasses in couples therapy. *Journal of marital & family*, 23,135-152.
- Johnson, S.M. (2004).*The practice of emotionally focused marital therapy: creating connrctions* (2 ed).New York: Burneer-Routledge.
- Madsen, M.D., & Abell, N. (2010). Trauma Resilience Scale: Validation of protective Factors Associated With Adaptation Following. *Research on social work practice*,20(2), 223-233.
- Martin, R. A., Puhlik- Doris, P., Larsen, G., Gray, J., & Weir, K. (2003). Individual Differences in uses of humor and their relation to psychological well- being: Development of the humor styles quationnaire. *Journal of researchIn personality*, 37, 48-72.
- Mooij, M. D., & Hofstede, G. (2002). Convergence and divergence in consumer Behavior: implications for international retailing. *Journal of Retailing*, 78, 61- 69.

- Murray, Ch. (1982), *In Pursuit of Happiness and Good Government*, New York: Simon & Schuster.
- Parker, R. (2002). Why marriage last: A discussion of literature. *Australian Institute Family Studies*, 28, 1- 26.
- Ross, E. C. (2009). Marital satisfaction, Dissatisfaction, Conflict and Qualities of Successful Marriage. *Psychology of the family*, 2-15.
- Ritzer, G. (2004). *Handbook of social problems: a comparative international perspective*, North America: sage publication.
- Stokes, Randall (1984), *Introduction to Sociology*, Dubuque and Low: Web Publishers.
- Ross, E. C. (2009). Marital satisfaction, Dissatisfaction, Conflict and Qualities of Successful Marriage. *Psychology of the family*, 2-15.
- The Rockford Institute (1990), *the retreat from marriage*, ed, Bryce Christensen, Rockford. III.